

تحلیل ای از موافقه صلح گلبدین حکمتیار با دولت افتراق ملی وپیشنهاد تشکیل یک کانفدریشن جدید در جنوب آسیا

قبل از اینکه به اصل مطلب بپردازم میخوام توجه خوانندگان گرامی القدر را به نظریات دو نویسنده امریکائی و انگلیسی جلب نمایم و آن از این قرار است که
Peter Bergen پیتر برگن نویسنده و تحلیلگر ورزیده امریکائی مینویسد که

با تخمین بسیار محافظه کارانه در حدود ۶۰۰ میلیون دالر کمک امریکا از طریق پاکستان به حزب اسلامی پرداخته شد و مینویسد که حزب حکمتیار در دوران جنگ شخص مرموز بود او موفقیت قابل ملاحظه ای در جنگ نداشت او بیشتر مصروف تربیه جنگجویان مسلمان از نقاط مختلف جهان بود، او بیشتر مصروف کشتن اعضای مجاهدین احزاب دیگر بود و موضعگیری تند را با غرب می گرفت او بر علاوه صدها ملیون کمک امریکا زیادتین سهم از کمکهای عربستان را نیز میگرفت
رهبر پاکستان محمد ضیاالحق لازم دید برایش اخطار بدهد که پاکستان بود ترا رهبر ساخت و در صورت بی اطاعتی نیز میتواند ترا از بین ببرد
وقتی جنگ مجاهدین در مراحل موفقیت و ختم بود افراطگران مسلمان شامل آی، اس، آی علاقمندی خاص داشتند که حکمتیار را بحیث نجات افغانستان به ارکه قدرت برسانند

Alfred McCo الفرد مکوو نویسنده سیاست هیروئین در جنوب شرق آسیا
The Politics of Heroin in Southeast Asia

سی، آی، ای را متهم کرد که از حکمتیار در تجارت مواد مخدره حمایت میکند در عمل او را آزادی تام برای جنگ در مقابل روسها داده او نیز مینویسد که

حکمتیار با مارگرت تچر صدراعظم انگلستان ملاقات کرد او شخص مطلوب سازمان استخباراتی ام، آی، سس انگلیس و سی، آی، ای امریکا برای جنگ در مقابل روسها بود
از تذکر مطلب فوق این است که با وابستگی نزدیک گلبدین حکمتیار با امریکا، انگلستان، عربستان سعودی و پاکستان نشود خدا ناخواسته حکمتیار مؤظف گردیده باشد که آرزوهای قرن ۱۹ انگلیس را که میخواستند سرحد هند بریتانوی را به دریائی آمو برسانند و آسیائی مرکزی را بحیث منطقه حایل بین هند و روسیه تزاری سازند با این مفهوم با آغاز مذاکرات صلح با پاکستان در یک کانفرانس چهار ضلعی غیر متوازن برای حکمتیار چون کانفرانس قبرس که به منظور برگشت شاه سابق محمد ظاهر شاه بود و پاکستان شدیداً مخالف برگشت شاه سابق بود هدایت داده شده باشد که از قافله باید عقب نماند لهذا او را وظیفه داده باشند که او نیز سرو صدای مذاکرات صلح را بادولت دست نشانده امریکا بلند تا بتوانند از طریق حکمتیار که باورمند به نبودن سرحد بین کشورهای اسلامی است او را با آوردن گروه طالبان، حقانی و دیگر رهبران تنظیمی در گرد حکمتیار جمع دریک لویه جرگه فرمایشی مصلحتی در مقام زعامت افغانستان قراردادده و بنام اینکه اسلام سرحد ندارد تحت شعار اسلام و صلح افغانستان عزیز ما را که قطعه کوچکی از بقایائی امپراطوری ابدالی میباشد به صوبه یا ایالت پنجم پاکستان تبدیل و پاکستان را مستقیم بالای همه مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی ما مسلط سازند بناءً برای رسیدن همین هدف شوم مذاکرات صلح چهار ضلعی غیر متوازن در چهار دوره به یک بهانه و بهانه دیگر به تعویق انداخته شد یعنی یکبار به نسبت مرگ ملا عمر به تعویق انداخته شد و حال نسبت کشته شدن ملا اختر محمد منصور به تعویق انداخته شده و پاکستان برای اینکه زهنیت ملت افغانستان و مخصوصاً کابلیان عزیز را برای برقراری صلح با هرکسی و یا هر شخصی یعنی حتی گلبدین

حکمتیار

هم باشد آماده کرده باشند حادثه مرگبار ماه آپریل را در مقابل دفتر منیت ملی طرح و براه انداختند که در نتیجه بیش از هفتاد نفر شهید و در حدود چهار صد دخمی شدند و دولت افتراق ملی افغانستان را مجبور به قبولی شرایط طرح شده پاکستان از طریق حکمتیار و شورای به اصطلاح صلح به کرسی شاندد

قرار افواهاات آقای گلبدین حکمتیار را بصورت مخفی واردکابل کرده اند و منتظر اند تا حکمتیار و یارانش در شورای امنیت ملل متحد از لست سیاه خارج و سپس سرش چون سمارق از یکجاء برآمده و همه رهبران تنظیمهای مختلف به هر نام و نشان که اند بشمول گروه طالبان و گروه حقانی که همه از طرف بدارانشان تجهیز،تمویل و تربیه می‌شوند و نزد (آی، اس، آی) پاکستان دوسیه ها داشتند و دارند و دهن پر آب بوده اند و دارائی هایشان در بانهای خارجی میباشد دولت پاکستان به هدایت بدارش قمچین را گرفته بنام ایجاد صلح همه را مجبور به نه تنها به حلقه زدن بدور گلبدین حکمتیار سازند بلکه مجبور خواهند شد ند که قطار دستمالها را بالای شانه ها انداخته و آفتابه و لگن را در دست به نوبت برای دستو پا شوو ای حکمتیار مجبور و سپس مثل که در فوق ذکر گردید در یک لویه جرگه فرمایشی اورا بحیث امیر افغانستان اعلان و با چک چک زدنھا توسط او بنام اینکه اسلام سرحد رانمی سنلسد افغانستان امروزی را در مجاورت ایالت به اصطلاح شمال غربی پاکستان یعنی خیبر پشتونخواه امروزی صوبه و یا ایالت پنجم پاکستان سازند یعنی با مسلط شدن پاکستان بالای افغانستان بریتانیا و آمریکا به آرزوی قرن نژده خود که هم سرحد شدن به آسیائی مرکزی باشد میرسند اگر هدف و آرزوی شوم پاکستان و گلبدین حکمتیار چنین باشد **وظیفه اسلامی، ملی و افغانی همه ملت افغان است که بدون حب و بغض مذهبی،لسانی،سمتی و قومی با قیام عمومی هدف شوم شانرا نه تنها در نطفه خنثی نموده بلکه از جهان برای حل معضلات و ایجاد صلح در منطقه تقاضای تجزیه پاکستان را به پنج کشور مستقل سند، پنجاب، بلوچستان، خیبر پشتونخواه و کشمیر نموده و هر پنج کشور جدیدالتأسیس را با افغانستان و بنگلادیش نیز بحیث کشورهای مستقل و آزاد چون اروپای غربی در یک کانفدریشن که متشکل از هفت کشور آزاد و مستقل خواهند بود در جنوب آسیا گره زده و نیز چون افغانستان بعد از آشغال افغانستان در اکتوبر ۲۰۰۱م بصورت غیر مستقیم عضوه پیمان ناتو است لهذا از پیمان ناتو تقاضا شود که کانفدریشن جدید جنوب آسیا را نیز در عضویت خود قبول و بحیث کشورهای آزاد و مستقل برای منافع مشترک در منطقه و جهان کار کنند**

باید متذکر شد که من مخالف آمدن حکمتیار به کابل نیستم او چون دیگر جنایتکاران داخل افغانستان حق دارد که به مادروطن خود بر گردد مشروط بر اینکه هدف آمدنش بکابل برای برآوده شدن اهداف شوم پاکستان و بدارانش نباشد امید با آمدنش تمام سلاحهای خود را به زمین گذاشته با عذر خواهی از ملت در فضای صلح برای منافع ملی یک افغانستان آزاد، سربلند و مستقل کار نماید نه برای پاکستان و بداران خارجی اش خداوند نگهبان مادروطن و ملت آزادی خواه افغان باشد و هرکس به مادروطن خیانت میکند خداوند خانه اش را خراب نماید

آمین یا رب العالمین